

# اصحاب اجماع

## قسمت اول

ناصر باقری بیدهندی



### سخنی در آغاز

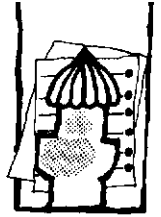
پس از قرآن، مهم‌ترین منبع شناخت معارف و احکام اسلامی، حدیث است. در فرهنگهای لغت، حدیث را به معنای نو، تازه<sup>۱</sup> و پدیدار گشتن چیزی که نبوده است<sup>۲</sup> برگردانده اند. اما در اصطلاح شرع، گزارش سخن، فعل و تقریر معصوم(ع) است.<sup>۳</sup>

احادیث معصومان(ع) توسط شنوندگانی که در مجالس، محافل درسی و گفت و شنوهای ایشان شرکت می کردند، منتقل می گشت و به کتابهای صحابه، تابعین و محدثان راه می یافت و همدوش قرآن، ملاک عمل و راهنمای امت قرار می گرفت، و این نبود مگر به سبب تشویق مسلمانان به تعلیم، تعلم، حفظ، کتابت، قرائت، درایت و

۱. العین، ج ۳، ص ۱۷۷

۲. معجم مقایس اللغة، ج ۲، ص ۱۷۷؛ مقیاس الهدایة، ج ۱، ص ۵۶

۳. مقیاس الهدایة، ج ۱، ص ۵۷؛ الوجیزة فی علم الدرایة، شیخ بهایی، ص ۱؛ قوانین الاصول،



روایت حدیث. ۴

تاکید و اصرار رسول خدا(ص) بر نوشتن چنان بوده است که حتی در لحظات پایانی عمر نیز از اصحاب می خواهد که قلم و دوات حاضر کنند تا مکتوبی بنویسد که امتش گمراه نشوند. ۵

از منابع موجود استفاده می شود که تدوین و کتابت حدیث از زمان رسول خدا(ص) آغاز گردید و از همان زمان، علی<sup>۶</sup> و زهرا- علیهما السلام- و برخی صحابه به نقل و تدوین حدیث مشغول بودند. بعد از این دوره و با رحلت پیامبر گرامی اسلام دیگر برای مسلمانان ممکن نبود که برای فهم قرآن مستقیماً به پیامبر مراجعه کنند، اینجا بود که اهمیت کلمات نورانی پیامبر و تدوین حدیث برای پیروان خاندان وحی معلوم شد. شیعه از همان آغاز که<sup>۷</sup> گروهی با تحلیلهای غیر منطقی و بعضی روایات ساختگی<sup>۸</sup> از کتابت و تدوین حدیث جلوگیری می کردند به تدوین کتب روایی همت گماشت و به حدی در این راه پیش رفت که به قول صاحب میزان الاعتدال اگر تلاش این جمعیت نبود آثار نبوی بطور کلی از میان می رفت و مفسده بزرگی در جهان اسلام پدید می آمد.<sup>۹</sup>

دوران پایان منع تدوین حدیث از طرف خلفای وقت فرا رسید. امامان پیروان خود را بیشتر به کتابت تشویق کردند و آنها نیز این کار را با جدیت بیشتر ادامه دادند. این اهتمام

۴. در این باره نگاه کنید به: اصول کافی، ج ۱، ص ۵۰، ح ۱۳؛ بحارالانوار، چاپ دار احیاء، ج ۲، ص ۱۵۰ و ۱۵۶ و ۱۸۴؛ کنز العمال، ج ۱۰، ص ۱۴۷

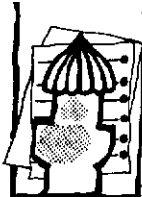
۵. صحیح بخاری، ج ۴، ص ۷

۶. اول کتاب حدیث شیعه از آن علی بن ابی طالب(ع) بوده است. نک: تاسیس الشیعة، ص ۲۷۶

۷. اهل سنت، عمل اصحاب رسول خدا(ص) را به سنت افزوده و از این طریق رفع نیاز می کردند.

۸. مانند: لا تکتبوا عتی و من کتب عتی غیر القرآن فلیمحه... (فجر الاسلام، ص ۲۰۹) و نیز بنگرید به: صحیح مسلم، کتاب الزهد، باب ۱۶، ح ۷۲ (چاپ دار احیاء، ج ۴، ص ۲۲۹۸)؛ تقیید العلم، ص ۳۰-۳۱؛ مسند احمد بن حنبل، ج ۳، ص ۲۱ و ۳۹. آقای حسینی جلالی در کتاب تدوین السنة الشریفه (ص ۲۹۰ به بعد) مناقشاتی در سند و دلالت این حدیث کرده اند، علاقه مندان مراجعه فرمایند.

۹. اعیان الشیعة، ج ۱، ص ۱۴۰



بدان پایه بود که به گفته مرحوم شیخ حر عاملی، پیشنیان شیعه اثنی عشری که با امامان(ع) معاصر بودند بیش از شش هزار و ششصد نوشته که در کتب رجال مذکور است - شامل احادیث اهل بیت(ع) - را تصنیف کردند.<sup>۱۰</sup>

از این تعداد چهار صد مجموعه حدیثی (اصول اربعماه) که زیر بنا و دستمایه اصلی مؤلفان جوامع حدیثی معروف است. از امتیازی خاص برخوردار است. محدثان شیعه با استفاده از همان اصول اولیه کتابهای حدیثی بزرگ و جامعی را تدوین کردند.<sup>۱۱</sup>

### رجال حدیث

پس از تدوین حدیث و افزوده شدن بر رجال حدیث از یک سو و راه یافتن آفت زیانبار جعل و وضع در احادیث از سوی دیگر، احتیاج مبرمی به شناخت رجال حدیث پیدا شد. رجال، علمی دامنه دار است که حالات و اوصاف راویان حدیث را جرح و تعدیل و نقد و بررسی می کند تا میزان عدالت و وثاقت یا فسق و دروغگویی آنها مشخص گردد.

علم رجال از شاخه های روایة الحدیث است که خود بخشی از علم الحدیث به معنای عام آن به حساب می آید.<sup>۱۲</sup>

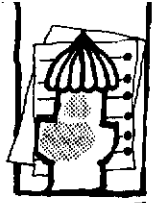
آیه الله سید علی خامنه ای می نویسد:

تدوین کتب رجالی به معنای مصطلح یعنی آنچه مربوط است به ذکر حالات راویان حدیث از لحاظ صفاتی که در ردّ و قبول خبر آنان مؤثر می تواند بود، به گمان قوی از نیمه اول قرن دوم یعنی از روزگار رواج حدیث آغاز شده است. شاید با قاطعیت بتوان گفت که انگیزه اصلی برای پیدایش این فن و تدوین

۱۰. وسائل الشیعة، چاپ آل البیت، ج ۳۰، ص ۱۶۵، فائده چهارم.

۱۱. مقدار قابل توجهی از این اصول نزد شیخ حر عاملی و قسمتی نزد علامه مجلسی و بخشی هم نزد محدث نوری نگاهداری می شده و بخشی از آنها نیز از میان رفته است. شیخ آقا بزرگ تهرانی در الذریعة الی تصانیف الشیعة(ج ۲) از یکصد و هفده اصل و ترجمه مصنفان آنها یاد کرده است.

۱۲. نک: علم الحدیث، ص ۷ و ۸



مصنفات مربوط به آن، اهتمام و مراقبت شدید و نزدیک به وسواس بود که محدثان و جمع آوران حدیث در کار تدوین روایات به کار می بردند.

در آن دوره عوامل جعل حدیث، فراوان بود: اولاً ارزش و وزنی که محدثان و حاملان حدیث در اجتماع داشتند، عده ای بیمایه و شهرت طلب را برای ورود در جرگه محدثان بدین کار وادار می ساخت. ثانیاً اغراض سیاسی و فرقه ای نیز هر یک عامل مهم و مستقلى در این مورد به شمار می رفت و در نتیجه احادیث فراوان از زبان منابع حدیث به رسول اکرم (ص) و ما... در حوزه تشیع - به ائمه اهل بیت (ع) نسبت داده می شد. این موضوع که در بسیاری از بیانات ائمه (ع) یا روایت منعکس است موجب شد که خبرگان فن برای تشخیص حدیث صحیح از سقیم به ذکر نام راویان و تمییز مدح از مذموم پردازند و بدین ترتیب کتابهایی در این رشته فراهم آید.<sup>۱۳</sup>

پیش از ورود به بحث در این مقدمه تذکر این نکته مفید به نظر می رسد که یکی از مهمترین و ارزشمندترین مباحث علم الحدیث بحث درباره «اصحاب اجماع» است؛ زیرا طبق بعضی برداشتها از کلام کشتی - که بزودی به نقل آن خواهیم پرداخت - انبوهی از احادیث که به آنها بی مهوری شده است، در شمار احادیث صحاح و مورد استناد فقهاست. به همین دلیل است که در فهرستها و کتب تراجم و رجال به کتابهای مستقلى در این باره برمی خوریم.

اصحاب اجماع، سید محمد باقر حجة الاسلام گیلانی اصفهانی (م ۱۲۶۰)؛

اصحاب اجماع، سید حسن طباطبایی (م ۱۱۶۸ یا ۱۱۶۷)؛

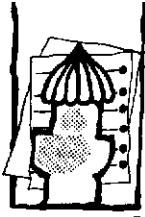
کشف القناع فی اصحاب الجماع، (ظاهراً همان منبع پیشین است)؛

اصحاب الاجماع، سید رضا طباطبایی نجفی (م ۱۲۵۳) که در ضمن فوائد الرجالیه

آمده است؛<sup>۱۴</sup>

۱۳. چهار کتاب اصلی علم رجال؛ یادنامه علامه امینی، ص ۳۸۰

۱۴. الدررعة الی تصانیف الشیعة، ج ۲، ص ۱۱۹ - ۱۲۰



منظومه درباره اصحاب اجماع، آقا منیر الدین اصفهانی؛<sup>۱۵</sup>

هدایة الدرایة فی اصحاب الاجماع، محمد تنکابنی (م ۱۳۰۲)؛<sup>۱۶</sup>

در این نوشته بیشتر سعی کرده ایم تا حد توفیق با استناد به منابع به شرح حال مختصری از اصحاب اجماع پردازیم و منزلت این عده از شاگردان ائمه هدی (ع) را نزد امامان معصوم بیان کنیم.

### پیدایش این اصطلاح

رجالی نامدار شیخ اجل محمد بن عمر بن عبدالعزیز کشی<sup>۱۷</sup> (م ۳۴۰ق) درباره گروهی از راویان از ائمه هدی (ع) چنین گفته است:

«اجمعت العصابة علی تصحیح ما یصح عن جماعة»<sup>۱۸</sup>.

به نظر کشی این جمع، نخبگان و راویان موثقی هستند که همه علمای درایه و حدیث و فقها به روایاتی که از ایشان به طریق صحیح نقل شده بدون تردید و دغدغه خاطر اعتماد می کنند و آنها را صحیح می دانند و عمل به آنها را لازم می شمرند، اگرچه از افراد ناشناخته یا ضعیف نقل خبر کرده باشند.<sup>۱۹</sup>

این جملات بعدها به مجامع فرهنگی دینی و کتب علمی راه یافت و گروهی از متقدمان و متأخران آن را پذیرفتند و در محاورات و نوشته های خود به کار بردند و اصطلاح اصحاب اجماع ابداع شد و جمعی از راویان به اصحاب اجماع شهرت پیدا کردند.

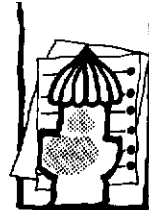
۱۵ . همان، ج ۴، ص ۵۷

۱۶ . مصفی المقال، ص ۴۳۵

۱۷ . منسوب به کُش از قریه های گرگان یا از بلاد ماوراء النهر، از رجالیان معروف است که بزرگان ما او را از ثقات شمرده و کتاب او را مورد اعتماد دانسته اند. کتابش جامع راویان خاصه و عامه است و شیخ طوسی آن را تلخیص و رجال عامه را از آن حذف کرده است.

۱۸ . اختیار معرفة الرجال (رجال الکشی)، ص ۲۳۸، شماره ۴۳۱ و نیز نک: همان، ص ۵۵۶، شماره ۱۰۵۰ و ص ۲۷۵، شماره ۷۰۵

۱۹ . همان.



## تعداد اصحاب اجماع

در تعداد اصحاب اجماع بین دانشمندان اختلاف نظر وجود دارد. مشهور دانشمندان آنها را هیجده تن دانسته اند که شش تن آنها از اصحاب امام باقر و امام صادق (ع) اند و شش تن دیگر تنها از اصحاب امام صادق (ع) هستند و شش تن باقیمانده از اصحاب امام کاظم و امام رضا (ع) محسوب می شوند.<sup>۲۰</sup>

شماری از این دانشمندان امین امام عصر خود بوده اند و سمت وکالت امام (ع) را نیز به عهده داشته اند و علاوه بر وثاقت، فقیه نیز بوده اند.

در کتب معتبر به روایات فراوانی برمی خوریم که در آنها امامان بزرگوار (ع) به مدح و منقبت اصحاب اجماع پرداخته اند. اسامی ایشان را نقل می کنیم:

زرارة بن اعین شیبانی

محمد بن مسلم

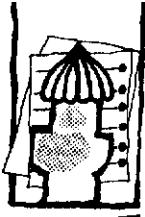
فضیل بن یسار

یزید بن معاویه عجلی

ابو بصیر

۲۰. ابن داود بر این هیجده تن حمدان بن احمد را نیز افزوده است. (رجال ابن داود، ص ۱۳۳) ولی در نسخه های رجال الکشی، چنین کسی دیده نشده است. علامه نوری احتمال داده است که در نسخه اصلی رجال الکشی چنین کسی وجود داشته است. همچنین درباره دو تن از این هیجده نفر هم اختلاف وجود دارد: یکی ابوبصیر اسدی است که برخی به جای او ابوبصیر مرادی را ذکر می کنند، و دیگری حسن بن محبوب است که به جای او فضالة بن ایوب گذاشته می شود. علامه نوری دایره اصحاب اجماع را وسیع دانسته و بعد از جمع بین اقوال تعدادشان را به بیست و دو نفر رسانده است؛ (قواعد الحدیث، ص ۴۰ به نقل از مستدرک، ج ۲، ص ۷۵۷). مرحوم حجة الاسلام تعداد اصحاب اجماع را شانزده نفر ذکر کرده است؛ نک: رساله فی تحقیق حال ابان بن عثمان.

برای اطلاعات بیشتر رجوع کنید به: اختیار معرفة الرجال، ص ۲۳۸، ۳۷۵، ۵۵۶؛ رجال ابن داود،



معروف بن خربوذ

این شش نفر از اصحاب امام باقر(ع) و امام صادق(ع) بوده اند، کشی در میان این شش نفر، زواره را افضل می داند.

جمیل بن دراج

ابان بن عثمان

عبدالله بن بکیر شیبانی

عبدالله بن مسکان

حماد بن عیسی

حماد بن عثمان

این شش تن از اصحاب امام صادق(ع) بوده اند که در میان آنها جمیل بن دراج را افضل دانسته اند.

صفوان بن یحیی

عبدالله بن مغیره

حسن بن محبوب

یونس بن عبدالرحمان

محمد بن ابی عمیر

احمد بن ابی نصر بزنتی

این شش تن از اصحاب امام موسی بن جعفر(ع) و امام رضا(ع) بوده اند. ۲۱

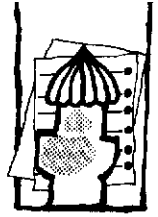
### مرجعیت علمی و فرهنگی

در اینجا این سؤال مطرح است که با اینکه مرحوم شیخ طوسی در رجال خود تعداد

۲۱ . علامه بحر العلوم طبقات یاد کرده را مطابق نقل «کشی» به نظم کشیده است و تنها بر خلاف کشی،

ابو بصیر مرادی را به جای ابوبصیر اسدی می نشاند. نک: ملحق خلاصة الرجال، ص ۱۸۵؛ رجال

العلامة المجلسی، ص ۱۸۵



چهارصد و هشت نفر را در ردیف اصحاب و راویان امام باقر(ع) ذکر کرده است<sup>۲۲</sup> و نیز با وجود آنکه برخی، راویان مؤثق اخبار امام صادق(ع) را بالغ بر چهار هزار نفر بر شمرده اند<sup>۲۳</sup>، و راویان امام موسی کاظم(ع) را دویست و هفتاد و دو نفر و راویان امام رضا(ع) را سیصد و هفده نفر و راویان امام جواد(ع) را صد و سیزده نفر و ... دانسته اند، علت این گزینش محدود چیست و چرا نقل این عده از مشایخ حدیث امامیه از امتیاز خاصی برخوردار شده است؟

همان گونه که در شرح حال این گروه خواهد آمد این عده علاوه بر راوی بودن، از فقهای مبرز بوده اند و چون قدرت تمیز بین اخبار درست و نادرست را داشتند مرجع راویان شیعه و برطرف کننده شبهات و اختلافات آنان به حساب می آمدند. این گروه همچنین در بین دیگران متهم به کذب نبوده اند، و به همین دلیل است که در کلمات مرحوم کشی به چنین عباراتی بر می خوریم: «تصدیقهم لما یقولون»، «وانقادوا لهم بالفقه» و «اقروا لهم بالفقه والعلم»<sup>۲۴</sup>.

علاوه بر اینها روایات فراوانی که در مدح آنان از زبان پاك ائمه طاهرین(ع) روایت شده و کشی و دیگران در کتب خود به آنها اشاره کرده اند، بیانگر جلالت قدر و بزرگی شان اصحاب اجماع در حفظ مکتب و مواریث آن است و همین ویژگیهاست که دانشمندان علم رجال را به تکریم آنها واداشته است.

اکنون به ذکر نمونه هایی از روایات می پردازیم که امامان پاك(ع) دیگران را به برخی از این بزرگواران ارجاع داده اند و حتی دانشمندان عامه به مناسبتهایی به بعضی از این افراد مراجعه کرده اند:

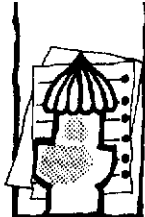
امام صادق(ع) به «فیض بن مختار» دستور می دهد آن گاه که جوایب احادیث اهل بیت

۲۲. رجال الطوسی، انتشارات اسلامی، ص ۱۲۲ - ۱۵۱

۲۳. الإرشاد، شیخ مفید، ص ۲۷۲؛ الذریعة، ج ۲، ص ۱۲۷؛ اعلام الوری، ص ۲۷۷؛ مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۲۷۴ و رجال الطوسی، ص ۲. گفتنی است که شیخ طوسی در رجال خود از ۳۲۳۳ نفر از اصحاب امام صادق(ع) یاد کرده است.

۲۴. رجوع شود به پاورقی شماره ۱۸





شدی به زرارة بن اعین رجوع کن. <sup>۲۵</sup> با توجه به این گونه ارجاعات است که عمرین اذینه کتاب ارث خود را به تمامی بر زراره عرضه نمود و در نقل روایاتش از او اجازه گرفت. <sup>۲۶</sup> ابن ابی عمیر از شعبی عقرفوفی <sup>۲۷</sup> روایت می کند که به امام صادق (ع) عرض کردم: «گاه به تحقیق درباره مسأله ای محتاج می شویم و به شما دسترسی نیست، در این گونه مواقع به چه شخصی مراجعه کنیم؟»، حضرت فرمود: «بر تو باد به ابوبصیر اسدی». <sup>۲۸</sup> روایت شده است که محدث جلیل القدر عبدالله بن ابی یعفور به حضرت صادق (ع) عرض کرد: «برای من امکان ندارد که همیشه خدمت شما برسم و گاه بعضی از شیعیان نزد من می آیند و از من سئوالهایی می کنند که جواب آنها را نمی دانم؛ در این گونه موارد چه کنم؟»، امام (ع) فرمود: «به محمد بن مسلم مراجعه کن؛ او از پدرم حدیث شنیده و نزد او دارای منزلت بوده است». <sup>۲۹</sup>

کشی در رجال خود از دو تن از وکلای امام رضا (ع) به نامهای حسن بن علی بن یقطین و عبدالعزیز بن مهدی بتفکیک نام برده است که به حضرت رضا (ع) گفتند: «برای ما امکان ندارد که در هر فرصتی خدمت شما نایل شویم، معالم دینمان را از چه کسی فرا بگیریم؟»، حضرت فرمود: از یونس بن عبدالرحمان. <sup>۳۰</sup>

۲۵ . اختیار معرفة الرجال، ص ۱۳۵، شماره ۲۱۶؛ سفینة البحار و مدینة الحکم والأثر، ج ۳، ص ۴۶۰؛

رسالة ابی غالب الرازی الی ابته فی ذکر آل اعین، ص ۵۱

۲۶ . معرفة الحدیث، محمد باقر بهبودی، ص ۲۷

۲۷ . عقرفوف، قریه ای است در چهار فرسخی بغداد.

۲۸ . اختیار معرفة الرجال، ص ۱۷۱، شماره ۲۹۱؛ وسائل الشیعة، دار احیاء، ج ۱۸، کتاب القضاء،

باب ۱۱ از ابواب صفات قاضی، ح ۳۴

۲۹ . قاموس الرجال، ج ۸، ص ۳۸۰؛ اختیار معرفة الرجال، ص ۱۶۱، شماره ۲۷۳؛ خلاصة الاقوال فی

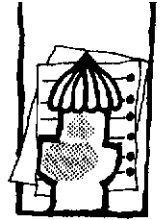
معرفة الرجال، علامه حلی، تحقیق: موسسه نشر الفقاهة، ص ۲۵۱؛ وسائل الشیعة، ج ۱۸، کتاب

القضاء، باب ۱۱ از ابواب صفات قاضی، ح ۲۳

۳۰ . اختیار معرفة الرجال، شماره های ۹۱۰، ۹۳۵، ۹۳۸؛ بحار الانوار، ج ۲، ص ۲۵۱؛ وسائل الشیعة،

ج ۱۸، کتاب القضاء، باب ۱۱ از ابواب صفات قاضی، ح ۳۳؛ رجال النجاشی، ص ۴۴۶، شماره

۱۲۰۸؛ قاموس الرجال، ج ۶، ص ۱۸۴، شماره ۴۱۳۰؛ اعیان الشیعة، ج ۱۰، ص ۳۲۷



در پاره ای از روایات، امامان بر وثاقت برخی از این گروه تصریح کرده اند. در بعضی روایات نیز آمده است که امام صادق (ع) پس از ستایش فراوان از زراره، محمد بن مسلم، ابوبصیر مرادی و برید بن معاویه عجللی، اینان را پاسداران دین و حاملان حدیث و امانت داران پدر خود دانسته که بدون وجود آنها احدی قادر به شناخت مکتب و استنباط احکام دین نخواهد بود.<sup>۳۱</sup>

### مدرک این اجماع

مدرک این اجماع در سه موضع از رجال کشی ذکر شده است:

یک: «فقیهانی که از اصحاب امام باقر و صادق (ع) هستند و امامیه بر تصدیقشان اتفاق دارند و آنها را فقیه ترین پیشینیان قلمداد می کنند شش تن اند: زراره بن اعین، برید بن معاویه، معروف بن خربوذ، ابوبصیر اسدی، فضیل بن یسار نهدی و محمد بن مسلم طحان طایفی ثقفی. بعضی به جای ابوبصیر اسدی، ابو بصیر مرادی لیث بن مراد بختری را روایت کرده اند، و فقیه ترین این گروه زراره بوده است.»<sup>۳۲</sup>

دو: «فقیهان اصحاب امام صادق (ع) که دانشمندان شیعه امامیه بر تصدیق و تصحیح روایاتشان متفق اند و فقاهات ایشان را مسلم می دانند به جز شش تن یاد شده، شش تن دیگرند: جمیل بن دراج، عبدالله بن بکیر، عبدالله بن مسکان، ابان بن عثمان، حماد بن عیسی و حماد بن عثمان. ابواسحاق فقیه<sup>۳۳</sup> معتقد بود که جمیل بن دراج افقه این گروه بوده است، و اینان اصحاب جوان (نه اصحاب کثیر الحدیث) امام صادق (ع)

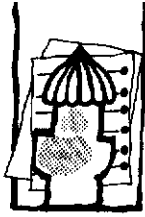
۳۱. اختیار معرفة الرجال، شماره ۲۱۶-۲۱۹؛ وسائل الشیعة، ج ۱۸، کتاب القضاء، باب ۱۱ از ابواب

صفات قاضی، ح ۲۱

۳۲. همان، ص ۲۳۸، شماره ۴۳۱

۳۳. وی «ثعلبة بن میمون» و از راویان مورد وثوق امام ششم و امام هفتم (ع) و از فقههای بزرگ شیعه بوده است. بنگرید به: قاموس الرجال، ج ۲، ص ۲۹۷؛ رجال النجاشی، شماره ۳۰۲، رجال

الطوسی، ص ۱۷۴ و ۳۳۳؛ معجم رجال الحدیث، ج ۳، ص ۴۰۴



بودند. ۳۴

سه: «فقیهان اصحاب حضرت کاظم و حضرت رضا(ع) که علمای امامیه بر تصحیح و تصدیق روایاتشان و علم و فقاہتشان متفقند، شش تن دیگرند: یونس بن عبدالرحمان، صفوان بن یحیی، حسن بن محبوب، محمد بن ابی عمیر، عبدالله بن مغیره و احمد بن محمد بن ابی نصر، بعضی از دانشمندان دینی به جای حسن بن محبوب، حسن بن علی بن فضال و یا فضال بن ایوب را مطرح کرده اند. برخی هم به جای فضال بن ایوب، عثمان بن عیسی را یاد کرده اند. یونس بن عبدالرحمان و صفوان بن یحیی ائمه این دسته است. ۳۵»

#### دلالت کلام کثی

کلام علامه کثی مجمل است و در تفسیر آن اختلاف شده است، اما ظاهر کلام او این است که منظور از مای موصول در مایصح عنه مروی است نه روایت؛ لذا اخباری که در سلسله سند آنها نام یکی از این جمع آمده باشد اگر سند روایت تا یکی از آنان، موثق و معتمد باشد ملاحظه حال راویان دیگر که از میان ایشان و معصوم(ع) هستند ضرورت ندارد؛ زیرا این گروه به دلیل دقت، احتیاط و صداقتی که دارند از نقل روایات ناصحیح بشدت پرهیز دارند.

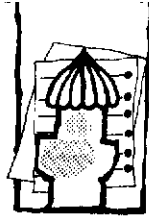
طبق این دیدگاه خبر صحیح، خبری خواهد بود که مخفوف به قراین داخلی و یا خارجی باشد که گواه صدق آن است اگرچه سند آن ضعیف باشد. ۳۶

علامه مامقانی این برداشت را به بزرگانی چون شیخ بهایی، شهید، شیخ محمد امین

۳۴. اختیار معرفة الرجال، ص ۳۷۵، شماره ۷۰۵

۳۵. همان، ص ۵۵۶، شماره ۱۰۵۰

۳۶. بنگرید به: بحوث فی علم الرجال، محمد آصف محسنی، ص ۱۱۷. متأخران، خیر صحیح را به گونه ای دیگر تعریف کرده اند. آنان حدیثی را صحیح می دانند که علاوه بر اتصال سند، راویان آن هم عادل، ضابط و شیعه اثنی عشری باشند.



کاظمی، مجلسی و وحید بهبهانی نسبت داده و خود نیز این نظریه را می‌پسندد. ۳۷

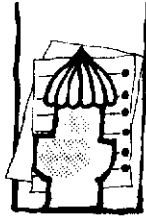
حجة الاسلام شفتی رشتی در رساله‌ای که در شرح حال ابان بن عثمان نگاشته است، و نیز محدث قمی در تحفة الاحباب در ذیل ترجمه ابان بن عثمان، خبر صحیح را به همین گونه معنی کرده‌اند. برخی راوی شناسان با این برداشت مخالفت کرده‌اند و معتقدند این جماعت از این جهت با سایر راویان فرق ندارند و احراز وثاقت در هر راوی لازم است و از گفتار علامه کشی جز این استفاده نمی‌شود که اجماع بر وثاقت این جمع قائم است و فقاهت آنان مسلم و تصدیق گفتارشان لازم است. این گروه موارد فراوانی را یافته‌اند که بعضی از افراد اصحاب اجماع از راویانی که عالمان راوی شناس به ضعف آنها تصریح کرده‌اند، نقل روایت کرده‌اند.

#### نظریه استاد

آیه الله ملکوتی در این باره نظریه خاصی دارند؛ ایشان معتقدند که اصحاب اجماع در هر سه طبقه از اجلاً بزرگان شیعه هستند و به اعتبار موقعیت خاصی که در میان شیعه و نزد حضرت باقر و حضرت صادق و امام کاظم (ع) داشته‌اند مورد حسادت دشمنان واقع شده‌اند و آماج تهمت‌های گوناگون و ناروا قرار گرفته‌اند. با مراجعه به کتب ملل و نحل و... در می‌یابیم که همه یا غالب این گروه از تیر تهمت‌های مخالفان در امان نمانده‌اند. بزرگان اصحاب ما این نسبتها را نادیده گرفته و برغم دشمنان بر فقاهت، وثاقت و مورد اعتماد بودن این گروه اجماع و اتفاق کرده‌اند علامه کشی همین اجماع را بعدها در اثر خود ذکر کرد و دیگران نیز تلقی به قبول کردند. بنابراین روایتی که رجال سند آن به یکی از این بزرگواران برسد و از جهت صحیح به ما رسیده باشد، از جهت خود آنان - با اینکه مورد اتهام بوده‌اند - بی اشکال است، ولی درباره رجال دیگر سند که در ما فوق آنها تا به امام (ع) واقع شده‌اند باید با دقت احراز وثاقت و شرایط سند نمود.

۳۷. مقیاس الهدایة، ص ۷۱؛ تلخیص مقیاس الهدایة، ص ۱۰۷؛ الرواشیح السماویة، ص ۴۴؛ وسائل

الشیعة، ج ۲۰، ص ۸۱؛ وافی، ج ۱، ص ۱۲



### نظریه مؤلف محقق بحوث فی علم الرجال

ایشان می فرماید: استنباط صحّت روایات اصحاب اجماع حتی در فرض جهالت یا ضعف راویان سابق بر آنان، ضعیف است زیرا:

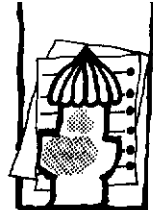
الف: آنچه از اصحاب اجماع به صحّت می پیوندد روایت و نقل قول از راوی سابق و مروی عنه است، نه صحّت حدیث به طور مطلق و ما همین مقدار را بر اساس اجماع عصابه تصحیح می کنیم، به عنوان مثال وقتی زراره می گوید: حدّثنی زید، عن السجاد(ع)، مدعی صحت روایت در واقع و نفس الامر ضمانت صدور حدیث از امام سجاد(ع) نیست بلکه ادعای او این است که زید از زبان امام(ع) به او چنین و چنان گفته و عبارت کشی بیشتر از این اطلاق ندارد.

بنابراین مراد از ماء موصول، یا روایت است و یا مروی مقید و بالنسبة، نه مروی مطلق؛ مثل اینکه گفته شود: «فی الصحیح عن ابن ابی عمیر عن بعض اصحابنا.»

ب: شیخ طوسی در رجال خود در باب اصحاب امام کاظم(ع) درباره یونس بن عبدالرحمن می فرماید: «ضعفه القمیون و هو ثقة» و در باب اصحاب امام رضا(ع) درباره یونس بن اویس می فرماید: «طعن علیه القمیون و هو عندی ثقة»، بر اساس این نقل، دانشمندان و محدثان قم یونس را تضعیف نموده اند و شکی نیست که مرادشان از تضعیف، عدم اعتبار روایات او است. شیخ طوسی در مقام دفاع از یونس از اجماعی بودن وثاقت و صحت اعتبار روایات او در نزد طایفه سخن نمی گوید، بلکه می فرماید: یونس نزد من ثقة است. دفاع شیخ در مقابل قمی ها از موضع ضعف صورت گرفته و روشن است که شیخ چنین چیزی را از اجماع کشی برداشت نکرده است.

ج: طبقه اوّل برتر از طبقه بعدی است. این موضوع از کلام کشی نیز هویدا است و جمله «تصحیح مایصح...» درباره یونس دو دسته اخیر بیان شد، نه دسته اوّل و باید مقام این دو دسته برتر از مقام دسته اوّل باشد که به حسب ظاهر هیچ کس آن را نمی پذیرد.

این محقق اقوال دیگر را نیز ضعیف و قابل مناقشه دانسته و معتقد است که قدر متیقن



استفاده شده از عبارات، وثاقت خود اصحاب اجماع است؛ و می‌گوید: شانزده نفر از هیجده نفر مذکور در رجال توثیق شده‌اند، فایده این عبارت تنها نسبت به دو تن از اینان کارساز است و با استناد به عبارات مذکور، توثیق آن دو تن به دست می‌آید نه این که هزاران روایت به درجه صحت برسد. ۳۸

محدث نوری (ره) در این مقام مطلب جدیدی را بیان نموده و می‌فرماید: «مقتضای اطلاق کلام کشی، حجیت فتاوی اینان است، بنابراین تمام احادیث و فتاوی اصحاب اجماع به اجماع طایفه محققه صحیح است. ۳۹»  
حقیقت این است که استنباط حجیت فتاوی اصحاب اجماع از کلام کشی مبالغه و گزافه‌گویی است زیرا:

اولاً: ابی بکیر و ابن فضال مؤمن بالمعنی الاخص نیستند، در حالی که ایمان بالمعنی الاخص از شرایط مفتی است؛  
ثانیاً: حجیت فتاوی میت برای مردم طبق نظر مشهور هیچ ارزشی ندارد؛  
ثالثاً: فتاوی یک مجتهد برای مجتهد دیگر حجیت نیست.  
این سه دلیل مبطل ادعای محدث نوری (ره) است. ۴۰

### زارة بن اعین

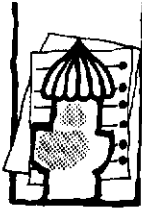
نام اصلی او عبدربه و مکنی به ابوالحسن و ابوعلی و فرزند اعین بن سنن شیبانی و از خاندان اصیل و عریق آل اعین است.

وی از اعیان فقها، ادبا، متکلمان امامیه و از بزرگان روایی عصر خود و از مشایخ برجسته و مورد اعتماد محسوب می‌شود که در دیانت و فقاہت و وثاقت و زهدگوی سبقت از همگنان ربوده است. چهره ظاهری او نیز به محاسنش افزوده

۳۸. نک: بحوث فی علم الرجال، ص ۶۰

۳۹. مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۷۶۸

۴۰. نک: بحوث فی علم الرجال، ص ۵۴-۶۲



بود: او فردی تنومند و سفید چهره بود که آثار سجود بر پیشانی مبارکش نقش بسته بود.<sup>۴۱</sup>

زراره از یاران مقرب امام باقر<sup>۴۲</sup> و صادق و کاظم(ع) بوده است و روایاتی از ائمه هدی(ع) در مدح او وارد شده است.<sup>۴۳</sup> تعابیر بلندی که در این گونه روایات به چشم می خورد<sup>۴۴</sup> بیانگر نقش والای او در حفظ مواریث و احادیث آل علی و انتقال آن به طبقات بعد است.

شرح حال نویسان در ستایش وی و بیان مراتب علمی و فضایل او سخن گفته و حدیثها آورده اند؛ از جمله، علامه حلی در خلاصه الاقوال می نویسد:

ایشان از بزرگان امامیه در عصر خود بود که بر همگان خود تفوق و تقدم داشته است، قاری قرآن، فقیه، متکلم، شاعر و ادیب بوده و خصایص دین و دانش و فضل را در خود جمع داشته است. از موثقان شمرده شده و در آنچه روایت می کند، صادق و درست گفتار است.<sup>۴۵</sup>

در رجال نجاشی نیز زراره به همین شکل توصیف شده است.<sup>۴۶</sup>

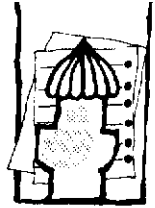
ابن داود می نویسد:

۴۱. تاریخ آل زراره، ص ۳۵؛ شرح رساله ابی غالب الرازی، ص ۲۷  
 ۴۲. از عامه، سفیان معتقد است که زراره، امام باقر(ع) را ندیده است، در حالی که با عنوان زراره هزار و دوست و سی و شش حدیث از امام باقر(ع) نقل کرده است.  
 ۴۳. گفتنی است که وی در جامعه به علاقمندی به ائمه و مکتب آنها شهره بود. حضرت صادق(ع) از باب تقیه گاهی او را مذمت می کرد تا او را از شر دشمنان برهاند. شاهد این نکته روایتی است که کشی در رجالش (ص ۱۲۵ و ۱۲۸) آورده است. البته برخی از روایات ذمه نیز سندشان ضعیف است لذا صدور آنها از ناحیه معصوم(ع) قابل اثبات نیست. (نک: مجمع رجال الحدیث، ج ۷، ص ۲۴۵؛ اعیان الشیعة، ج ۷، ص ۴۹ و ۵۱).

۴۴. اختیار معرفة الرجال، ص ۱۲۲ و ۱۲۴؛ بحار الانوار، ج ۴۷، ص ۳۹۰؛ الاختصاص، ص ۶۶؛ اعیان الشیعة، ج ۷، ص ۴۷

۴۵. خلاصه الاقوال، ص ۱۵۲

۴۶. رجال النجاشی، ص ۱۷۵، شماره ۴۶۳



۴۷. او راستگوترین زمان خویش و فاضل‌ترین ایشان است.

صاحب ریحانة الادب درباره او می نویسد:

از اکابر اصحاب حضرت باقر و حضرت صادق (ع) است. قاری، فقیه، متکلم، شاعر و ادیب بارع و جامع خصال فضل و دیانت است. از اعظام فقه و حدیث شیعه و از حواریین حضرت باقر (ع) بوده است. بنا بر نقل بعضی منابع دینی نسبت به حضرت صادق (ع) دوست‌ترین مردم از زندگان و مردگان و محبوب‌ترین اصحاب حضرت باقر (ع) بود. یکی از چهار تنی است که به نجبا، امنای حلال و حرام الهی، اوتاد ارض، اعلام دین، سابقین، مقرّبین و قائمان به قسط و عدالت توصیف شده‌اند و تصریح شده که در نبود ایشان آثار نبوت مندرس و منقطع می‌شد. سه تن دیگر محمد بن مسلم، ابوبصیر لیث و برید بن

معاویه هستند... ۴۸.

اصحاب و یاران ائمه (ع) نیز به مکانت علمی و موقعیت برتر او اعتراف داشتند. فردی در حضور جمیل بن دراج - از فقها و محدثان نامی شیعه - محضر پر فیضش را ستود؛ جمیل فرمود: «به خداوند سوگند که مثل ما در برابر زراره، مثل کودکان دبستانی در نزد معلّم خود بوده.» ۴۹

در کتب رجال و فهرست دو کتاب از آثار مکتوب او ثبت شده است: کتابی در مسأله جبر و استطاعت و کتابی مربوط به عمود. ۵۰  
ابو غالب زراری می نویسد:

در جدل و مخاصمت در کلام، امتیازی تمام داشت و هیچ کس را قدرت آن نبود که در مناظره، او را مغلوب سازد مگر کثرت عبادت او را از کلام

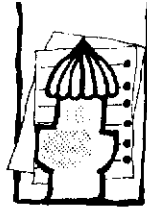
۴۷. رجال ابن داود، ص ۹۶

۴۸. ریحانة الادب، ج ۲، ص ۳۷۱

۴۹. اختیار معرفة الرجال، ص ۱۳۲

۵۰. رجال النجاشی، ص ۱۳۵





بازداشته بود. ۵۱

جمع کثیری از متکلمان شیعه در زمرة شاگردان او هستند. روایت کنندگان او را بالغ بر یکصد تن نوشته اند، از جمله: موسی بن بکر واسطی، ابان بن تغلب حریزی، حنان بن سدیر، جمیل بن دراج، هشام بن سالم، ابن بکیر، ابن مسکان، ابو خالد، ثعلبه بن میمون، علی بن عطیه، عمر بن اذنیه، محمد بن حمران، حریز، حسن بن موسی.

طبق نقل کتاب معجم رجال الحدیث، بیش از دو هزار و نود و چهار روایت از طریق زراره به ما رسیده است. ۵۲

و طبق نقل کتاب مفتاح الکتب الاربعة، روایاتی که به مباشرت از معصوم (ع) در کتب اربعه دارد، هزار و دویست و پنجاه و چهار روایت است. ۵۳

زراره، شش پسر داشته است: رومی ۵۴ و عبدالله ۵۵ - که از راویان ثقه اند - و حسن و حسین ۵۶ که از اصحاب امام صادق (ع) بوده اند.

در تاریخ وفات این مرد بزرگ، اختلاف نظر وجود دارد: ۵۷ برخی از محدثان، سال ۱۵۰ هـ. را تاریخ رحلت زراره دانسته اند، اما بیشتر دانشمندان، سال ۱۴۸ هـ. - بعد از ارتحال امام صادق (ع) به فاصله دو ماه یا کمتر - را ثبت کرده اند و می گویند زراره در بستر

۵۱. رسالة ابي غالب الزراري، ص ۲۰۸

۵۲. معجم رجال الحدیث، ج ۷، ص ۲۴۷

۵۳. مفتاح الکتب الاربعة، ج ۱۵، ص ۳۹۷ و مستدرک آن.

۵۴. درباره او نک: رجال النجاشی، ص ۱۶۶؛ رجال الطوسی، ص ۲۰۶؛ خلاصة الاقوال، ص ۱۴۷

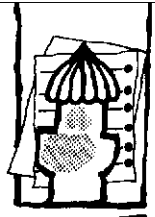
۵۵. درباره او نک: همان، ص ۲۲۳؛ همان، ص ۲۶۴؛ همان، ص ۲۰۱

۵۶. درباره این دو نک: رسالة ابي غالب الزراري، ص ۲۰۴ و ۲۰۵؛ اختيار معرفة الرجال، ص ۲۲۱ و

۲۲۲؛ رجال الطوسی، ص ۱۸۰ و ۱۹۵؛ المعجم الموحد، ج ۱، ص ۲۲۲ و ۲۴۵؛ الفهرست،

ابن ندیم، ص ۲۷۶

۵۷. نک: اختيار معرفة الرجال، ص ۱۴۳؛ سفينة البحار، ج ۱، ص ۵۴۸؛ مجالس المؤمنین، ج ۱،



بیماری بود که امام صادق(ع) جهان را بدرود گفت و به همان مرض هم از دنیا رفت. ۵۸.

### محمد بن مسلم ثقفی

از محدثان و فقیهان صاحب نام دوران خود و از راویان مورد اعتماد شیعه است. افقه و اورع و عابدترین<sup>۵۹</sup> مردم زمان خود بود و از معروفترین و مقربترین یاران امام باقر و امام صادق(ع). طبق نقل شیخ طوسی از اصحاب امام کاظم(ع) نیز محسوب شده است. وی همچنین مرجع خاص و عام کوفیان بود و بسیار اتفاق می افتاد که پیشوایان عامه نیز از دانش این فقیه پاکسرشت استفاده می کردند.<sup>۶۰</sup>

عبدالله بن ابی یعفور - از اصحاب برجسته امام صادق(ع) - می گوید: به امام(ع) گفتم: چون همیشه توفیق دیدار شما نصیب نمی شود و گاه پاسخی برای سؤال شیعیان ندارم، چه کنم؟ فرمود: چرا از محمدبن مسلم نمی پرسی؟ او روایات فراوانی از پدرم شنیده و نزد وی وجیه و پسندیده بوده است.<sup>۶۱</sup>

۵۸. برای آگاهی بیشتر درباره او به این منابع رجوع کنید: اضبط المقال، ص ۵۱۱؛ احسن التراجم، ج ۱، ص ۲۵۴؛ الاعلام، ج ۳، ص ۴۳؛ اعیان الشیعة، ج ۷، ص ۴۶-۵۵؛ امل الأمل، ج ۱، ص ۵؛ ایضاح الاشتباه، ص ۴۱؛ بهجة الأمال، ج ۴، ص ۱۶۲؛ تاریخ آل زرارعة، ص ۳۵؛ تاسیس الشیعة، ص ۲۸۶؛ التحرير الطاووسی، ص ۱۱۵؛ تنقیح المقال، ج ۱، ص ۴۳۸؛ توضیح الاشتباه، ص ۱۶۱؛ جامع الرواة، ج ۱، ص ۳۲۴-۳۲۹؛ جامع المقال، ص ۶۸؛ رجال بحرالمعلوم، ج ۱، ص ۲۲۲ و ۲۳۱-۲۳۲؛ رجال البرقی، ص ۱۶ و ۴۷؛ رجال العلامة الحلی، ص ۱۷۶؛ رجال ابن داوود، ص ۹۶؛ رجال الکشی، ص ۱۰، ۱۳۳-۱۳۷، ۱۶۰، ۱۶۹، ۱۷۰، ۲۷۶؛ رجال النجاشی، ص ۱۷۵؛ رساله ابی غالب الزراری، ص ۲۷؛ ریحانة الادب، ج ۲، ص ۳۷۰؛ الفهرست، شیخ طوسی، ص ۱۷۴؛ الفهرست، ابن ندیم، ص ۲۷۶؛ مجمع الرجال، ج ۳، ص ۲۵-۵۱؛ معالم العلماء، ص ۵۳؛ معجم الثقات، ص ۵۵؛ معجم رجال الحديث، ج ۷، ص ۲۱۸-۲۵۷؛ منتهی المقال، ص ۱۳۵؛ منتهج المقال، ص ۱۴۲؛ نقد الرجال، ص ۱۳۶؛ هداية المحدثین، ص ۶۴؛ هدية العارفين، ج ۱، ص ۳۷۳؛ الوجيزة في علم الدراية، ص ۳۵؛ وسائل الشیعة، ج ۲، ص ۱۹۶

۵۹. نک: رجال الکشی، ص ۱۴۱؛ الاختصاص، ص ۵۱ و ۲۰۳؛ بحار الانوار، ج ۴۷، ص ۲۵۱ و ۳۹۴

۶۰. همان، ص ۱۴۶؛ همان، ص ۲۰۳ و ۲۰۴؛ همان، ص ۴۱۰ و ۴۱۱

۶۱. همان، ص ۱۴۵؛ همان، ص ۲۰۱ و ۲۰۲؛ همان، ج ۴۶، ص ۳۲۸؛ خلاصة الاقوال، ص ۷۳؛

قاموس الرجال، ج ۸، ص ۳۸۰



محمد بن مسلم خود گوید:

در یکی از شبها در پشت بام منزل خود استراحت می کردم که کسی در زد، گفتم: کیستی و به چه کار آمده ای؟ گفت: خدای تو را رحمت کند کنیزك تو هستم! به کنار بام آمدم و سرکشیدم زنی را دیدم، چون مرا دید گفت: نوعروس من در موقع زایمان از دنیا رفته فرزندش در شکم او زنده است دستور شرع چیست؟ گفتم: نظیر این مسأله را از امام باقر(ع) پرسیدند، حضرت فرمود: شکم مرده را بشکافند و فرزند را بیرون آرند، شما نیز چنین کنید. پس از آن گفتم: من مردی هستم که در زاویه خمول و اختفا به سرمی برم چه کسی تو را به من راهنمایی کرد؟ زن گفت: نزد ابوحنیفه - که صاحب رأی و قیاس است - برای پرسیدن حکم این مسأله رفتم، اظهار بی اطلاعی کرد و گفت: نزد محمد بن مسلم ثقفی برو که او حکم این مسأله را می داند و پس از آن که جواب را گرفتی به نزد من بیا و مرا از جواب او باخبر ساز. به آن زن گفتم: اکنون به سلامت به خانه خود بازگرد. فردای آن شب به مسجد رفتم، ابوحنیفه را دیدم که همان مسأله را مورد بحث قرار داده و در جمع اصحاب داد سخن داده و می خواهد جواب مرا به نام خود مطرح کند. از گوشه مسجد تنحنحی کردم. ابوحنیفه متوجه شد و گفت: خدا تو را رحمت کند بگذار ما لحظه ای زندگی کنیم.<sup>۶۲</sup>

محمد بن مسلم می گوید: «از امام باقر(ع) سی هزار حدیث<sup>۶۳</sup> و از امام صادق(ع)

شانزده هزار حدیث شنیدم».<sup>۶۴</sup>

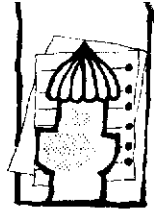
طبق نقل مولف مفتاح الکتب الاربعه، روایات نقل شده توسط زراره به مباشرت معصومان(ع) در کتب اربعه، هزار و سیصد و هفتاد و چهار حدیث است.<sup>۶۵</sup> اخیراً مسند

۶۲ . معجم رجال الحدیث، ج ۱۸، ص ۲۶۲

۶۳ . بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۳۲۸؛ اختیار معرفة الرجال، شماره ۲۷۶

۶۴ . اختیار معرفة الرجال، شماره ۲۸۰

۶۵ . مفتاح الکتب الاربعه، ج ۳۰، ص ۴۰۴ و مستدرک آن.



محمد بن مسلم توسط دو تن از فضلا چاپ شده است. همچنین اثر شیخ کاظم جعفر مصباح تحت عنوان ما رواه الحواریون، مسند محمد بن مسلم الثقفی به چاپ رسیده است.

امامان معصوم (ع) فضایل بسیاری برای محمد بن مسلم ذکر کرده اند و او را با بهترین واژه ها ستوده اند. <sup>۶۶</sup> علمای بزرگ شیعه نیز به ستایش این بزرگ مرد پرداخته اند. نجاشی او را فقیه پارسا و مایه آبروی شیعه و از موثق ترین انسانها دانسته است. <sup>۶۷</sup>

کتاب الاربعامة مسألة، یادگار مکتوب محمد بن مسلم است. <sup>۶۸</sup>

وفات این مرد بزرگ در سال ۱۵۰هـ. یا ۱۵۱هـ. اتفاق افتاده است. <sup>۶۹</sup>

### فضیل بن یسار

وی از اکابر و اشراف شیعه و ممدوح علمای رجال است. از اصحاب بزرگوار امام باقر و امام صادق (ع) و بسیار موجه و مورد وثوق بوده است. امام صادق او را از اهل بیت<sup>۷۰</sup> و در زمره بهشتیان معرفی کرده است.

۶۶. اختیار معرفة الرجال، ص ۲۰۶؛ قاموس الرجال، ج ۸، ص ۳۷۸

۶۷. رجال النجاشی، ص ۳۲۳ و ۳۲۴

۶۸. مجالس المؤمنین، ج ۱، ص ۳۴۰ (مجلس پنجم)؛ رجال النجاشی، ص ۳۲۴

۶۹. رجال الطوسی، ص ۳۰۰؛ بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۳۲۹. برای آگاهی بیشتر درباره اوبه این منابع

رجوع کنید: اتقان المقال، ص ۱۳۲؛ احسن التراجم، ج ۲، ص ۱۱۰؛ اضبط المقال، ص ۵۴۷؛

ایضاح الاشتباه، ص ۷۱؛ بهجة الآمال، ج ۶، ص ۶۳۶؛ تاسیس الشيعة، ص ۲۸۶؛ التحرير

الطاووسی، ص ۲۶۳؛ تنقیح المقال، ج ۳، ص ۱۸۴؛ جامع الرواة، ج ۲، ص ۱۹۳ - ۲۰۰؛ رجال

البرقی، ص ۹ و ۱۷؛ رجال العلامة الحلی، ص ۱۴۹؛ رجال ابن داوود، ص ۱۸۴؛ رجال الطوسی،

ص ۶۳۵؛ ۳۰۰، ۳۵۸؛ رجال الکشی، ص ۱۰، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۶۱ - ۱۶۳ و ...؛ رجال

النجاشی، ص ۳۲۳؛ ریحانة الادب، ج ۴، ص ۴۸؛ الکنی واللقاب، ج ۲، ص ۴۰۶؛ مجمع

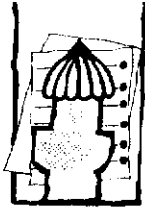
الرجال، ج ۶، ص ۴۷ - ۵۴؛ مجمع الثقات، ص ۱۱۷؛ مجمع رجال الحديث، ج ۱۷، ص ۲۴۷ -

۲۵۵، ۲۵۷؛ ج ۲۳، ص ۴۲؛ مجمع المؤلفین، ج ۱۲، ص ۲۱؛ منتهی المقال، ص ۲۹۳؛

منهج المقال، ص ۳۲۰؛ نقد الرجال، ص ۳۳۳؛ هداية المحلثین، ص ۲۵۳؛ هدية العارفين، ج ۲،

ص ۷؛ الوجيزة فی علم الدراية، ص ۵۰؛ وسائل الشيعة، ج ۲۰، ص ۳۴۲

۷۰. رجال الکشی، ص ۱۸۵؛ قاموس الرجال، ج ۷، ص ۳۴۳؛ سفينة البحار، ج ۲، ص ۲۷۰



مؤلفان آثار رجالی در کتابهای خود از وی بسیار تجلیل و تکریم می کنند و او را به علم و تقوا و عبادت و حسن معرفت توصیف می نمایند؛ مثلاً: نجاشی (ره) می نویسد:

«فضیل بن یسار ابوالقاسم تهذبی در زمره ثقات است.»<sup>۷۱</sup>

امام صادق (ع) آنگاه که او را مشاهده می کردند و می فرمودند:

«خاشعان و عابدان را به بهشت بشارت دهید.»<sup>۷۲</sup>

شیخ مفید در رساله عدویه، ایشان را در شمار فقهای اعلام و پیشوایانی که حلال و حرام و تقوی را رعایت می کنند، می آورد و می افزاید: او از کسانی است که احدی او را طعن و شماتت نکرده است.

علامه حلی در خلاصة الاقوال می نویسد: «او عربی خالص، بصری، ثقه، عین، جلیل القدر است.»<sup>۷۳</sup> در معجم رجال الحدیث آمده است: «در اسناد روایات فراوان واقع شده که بالغ بر دویست و پنجاه و چهار مورد است.»<sup>۷۴</sup>

تفسیری نیز به او منسوب است...  
با آنکه منابع موجود رحلت او را در زمان حیات امام صادق (ع) ذکر کرده اند، اما این شعبه حرانی در تحف العقول حدیثی از او نقل کرده که از امام رضا (ع) روایت کرده است.<sup>۷۵</sup>

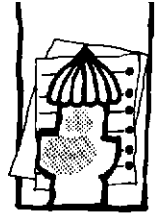
۷۱ . رجال النجاشی، ص ۳۰۹

۷۲ . رجال الکشی، ج ۲، ص ۴۷۳

۷۳ . خلاصة الاقوال، ص ۲۲۸

۷۴ . معجم رجال الحدیث، ج ۱۳، ص ۳۳۷

۷۵ . برای اطلاع بیشتر درباره او به منابع زیر مراجعه شود: خلاصة الاقوال، ص ۲۲۸؛ رجال النجاشی، ص ۳۰۹؛ رجال الطوسی، ص ۱۴۳، ۲۶۹؛ اختیار معرفة الرجال، شماره ۳۷۷ - ۳۸۲، ۴۳۱؛ المعجم الموحد، ج ۲، ص ۱۹۲؛ معجم رجال الحدیث، ج ۱۳، شماره ۹۴۳۶؛ مجالس المؤمنین، ج ۱، ص ۳۳۷؛ کرامات الأبرار من موالی الأئمة الأطهار، ص ۶۵



قاسم<sup>۷۶</sup> و علاء<sup>۷۷</sup> (فرزندان او) و نواده اش محمد بن قاسم<sup>۷۸</sup> از اجلاً و ثقات اصحابند.

### برید بن معاویه عجل

فقیه و راوی ثقه و جلیل القدر و از خواص اصحاب صادقین (ع) است که در بین یاران این دو امام موقعیتی برتر داشته است. پیشوایان دین این راوی بزرگ را در سخنان خود ستوده اند. دانشمندان رجالی نیز در آثار خود او را بسیار تکریم کرده و به صدق و امانت و ورع و دیانت ستوده اند. برای مثال دو نمونه از این سخنان را نقل می کنیم:

مرحوم کشی می نویسد:

«جمع علمای شیعه او را به عدالت و صحت گفتار تصدیق کرده اند و به فقاقت وی معترفند».<sup>۷۹</sup>

محدث قمی از او اینگونه یاد کرده است:

در نزد ائمه (ع) دارای مکانتی عظیم است. حضرت صادق (ع) فرمود: او تاد زمین و اعلام دین چهار نفرند: محمد بن مسلم، برید بن معاویه، لیث بن یختری مرادی و زرارۀ بن اعین. و هم در حدیثی در حق ایشان فرموده است: این چهار تن امنای الهی در حلال و حرام خدایند؛ اگر ایشان نبودند، آثار نبوت منقطع و مندرس می گشت.<sup>۸۰</sup> برید، کتابی داشته است که علی بن عقبه از او روایت می کند.<sup>۸۱</sup> فرزندش قاسم، نیز

۷۶. درباره او نک: رجال النجاشی، ص ۳۱۲ و ۳۶۲ (ضمن ترجمه فرزندش محمد)؛ رجال الطوسی، ص ۲۷۲؛ خلاصة الاقوال، ص ۱۳۴

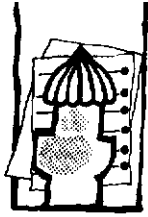
۷۷. درباره او نک: رجال النجاشی، ص ۲۹۸؛ الفهرست، شیخ طوسی، ص ۱۱۳؛ رجال الطوسی، ص ۲۴۰؛ خلاصة الاقوال، ص ۲۳۰

۷۸. درباره او نک: رجال النجاشی، ص ۳۶۲؛ الفهرست، شیخ طوسی، ص ۱۵۵؛ رجال الطوسی، ص ۳۹۱؛ خلاصة الاقوال، ص ۲۱۷

۷۹. رجوع شود به اختیار معرفة الرجال، ص ۲۳۸، شماره ۴۳۱

۸۰. رجوع شود به معجم رجال الحديث، ج ۴، ص ۱۹۵-۱۹۷

۸۱. رجال النجاشی، ص ۱۱۲



از راویان و اصحاب امام صادق(ع) است و کتابی داشته است. <sup>۸۲</sup> فرزند دیگرش، موسی است که او نیز در زمره راویان حدیث بوده است. <sup>۸۳</sup>

سال وفاتش را ۱۵۰ هـ. ثبت کرده اند. بعضی نیز معتقدند که در دوران امام رضا(ع) دنیا را وداع گفته است. <sup>۸۴</sup>

### ابوبصیر (یحیی بن القاسم اسدی)

مورد وثوق و از مشاهیر اصحاب و یاران امام باقر و امام صادق(ع) و راوی روایات آن دو بزرگوار است. وی به جز امام معصوم از ابو حمزه ثمالی و صالح (عمران) بن میثم نیز روایت می کند. صاحب معجم رجال الحدیث می نویسد:

«در سلسله اسناد روایات بیش از دوهزار و دویست و هفتاد و پنج مورد با عنوان

ابوبصیر قرار گرفته است. <sup>۸۵</sup>»

راویان از ابوبصیر در کوفه بسیارند و از آن جمله از ابان بن عثمان احمر، عاصم بن حمید حناط، حسین بن ابی العلاء و عبدالله بن حماد انصاری. او با آنکه نابینا بود ولی بصیرتش او را داشت تا در مقابل فطحیه موضع بگیرد و پایه های عقیدتی آنان در زمینه امامت را مورد حمله قرار دهد. همین موضعگیری بحق بود که به وجاهت او نزد شیعیان امام کاظم(ع) افزود.

از آثار اوست: مناسک حج، یوم و لیلة و تفسیر. <sup>۸۶</sup>

از آنجا که ابوبصیر کنیه پنج تن بوده که برخی از آنان مسلماً ثقه اند، بزرگان ما کتابهای مستقلی تحت عنوان ابابصیر نوشته اند. مرحوم آیه الله خویی با بیان قرینه گفته است که هر جا ابوبصیر به طور مطلق آورده شود مراد یحیی بن قاسم ثقه است. <sup>۸۷</sup> حاجی نوری نیز به

۸۲. خلاصة الاقوال، ص ۸۱-۸۲؛ رجال النجاشی، ص ۱۱۲ و ۳۱۲ (شماره ۸۵۷).

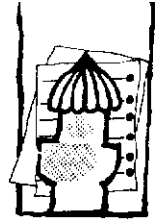
۸۳. رجال النجاشی، ص ۴۰۸، شماره ۱۰۸۴؛ المعجم الموحد، ج ۲، ص ۳۶۷

۸۴. برای اطلاع بیشتر درباره او به این منابع رجوع کنید: رجال الکنی، شماره ۴۳۱ و ۴۳۸؛ رجال النجاشی، ص ۱۱۲؛ رجال الطوسی، ص ۱۲۸ و ۱۷۱؛ خلاصة الاقوال، ص ۸۱-۸۲؛ المعجم الموحد، ج ۲، ص ۱۴۴؛ مجالس المؤمنین، ج ۱، ص ۳۳۹

۸۵. معجم رجال الحدیث، ج ۲۱، ص ۴۴

۸۶. الذریعة الی تصانیف الشیعة، ج ۴، ص ۲۵۱

۸۷. معجم رجال الحدیث، ج ۲۰، ص ۷۵



همین قول معتقد است.

ابوبصیر در سال ۱۵۰ هـ روی در نقاب خاک کشید. ۸۸

### ابوبصیر مرادی

از راویان بزرگ و عالیقدر شیعه و نامش لیث بن بختَر مرادی است. از خاصان حضرت باقر و امام صادق (ع) است. شخصیتی است که محمد بن مسلم با همه عظمت در راه مکه به اتفاق جمعی از یاران به او اقتدا کرد و نماز را به امامت او به جای آورد. ۸۹ کشی وی را در عدد اصحاب اجماع برشمرده است. او کتابی داشته است که جمعی از راویان آن را روایت می کنند. ۹۰

گرچه برخی چون ابن غضائری و نجاشی مذهب او را مستقیم ندانسته اند اما به دلیل وثاقت او اعتبار روایی او مورد طعن نیست.

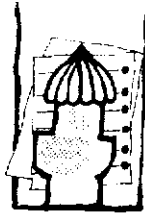
راویان بسیاری از او روایت می کنند؛ از آن جمله اند: ابوجمیله مُفصل بن صالح اسدی، عبدالله بن مسکان، عبدالله بن بکیر و عبدالکریم بن عمرو خثعمی.

۸۸. رجال النجاشی، ص ۴۴۱، شماره ۱۱۸۷. برای اطلاع بیشتر درباره او به این منابع مراجعه کنید: اتقان المقال، ص ۱۴۷ و ۳۸۴، بهجة الآمال، ج ۷، ص ۲۲۹؛ تاسیس الشيعة، ص ۲۸۵ و ۳۳۷؛ التحرير الطاوسي، ص ۳۰۶؛ تنقيح المقال، ج ۲، ص ۳۰۸؛ توضیح الاشتباه، ص ۳۰۱؛ جامع الرواة، ج ۲، ص ۳۲۴ و ۳۳۴؛ جامع المقال، ص ۹۴؛ رجال البرقی، ص ۱۱ و ۱۷؛ رجال العلامة الحلی، ص ۲۶۴؛ رجال ابن داود، ص ۲۰۲ و ۲۸۴؛ ریحانة الادب، ج ۷، ص ۳۶؛ سفينة البحار، ج ۱، ص ۸۵ و ۸۶؛ الفهرست، شیخ طوسی، ص ۱۷۸؛ کامل الزیارات، ص ۵۰؛ کشف الحجب والاستار، ص ۵۵۲؛ الکنی واللقاب، ج ۱، ص ۱۷؛ مجمع الرجال، ج ۶، ص ۲۴۸، ۲۵۰، ۲۶۲، ۲۶۳ و ج ۷، ص ۱۰؛ معالم العلماء، ص ۱۳۰؛ معجم الثقات، ص ۱۳۱؛ معجم رجال الحديث، ج ۲۰، ص ۲۸، ۷۴، ۸۴ و ج ۲۱، ص ۶۳؛ معجم المؤلفین، ج ۱۳، ص ۲۱۹؛ منتهی المقال، ص ۳۲۸؛ منهج المقال، ص ۳۷۱؛ نقد الرجال، ص ۳۷۵؛ هداية المحذنين، ص ۱۶۲ و ۲۶۶؛ الوجيزة فی علم الدراية، ص ۵۳؛ احسن التراجيم، ج ۲، ص ۲۱۸ (به نقل از وسائل الشيعة، ج ۲۰، ص ۳۶۶).

۸۹. فروع الكافي، ج ۱، ص ۸۹؛ وسائل الشيعة، ج ۴، ص ۹۷۳

۹۰. رجال النجاشی، ص ۳۲۱، شماره ۸۷۶





او قبل از سال ۱۸۳ هـ. زنده بوده است.<sup>۹۱</sup>

### معروف بن خربوذ

مرحوم کشی در رجال خود او را از اصحاب اجماع و از فقهای برجسته شیعه و در ردیف محمد بن مسلم و زرارة بن اعین دانسته است.<sup>۹۲</sup>

معروف از یاران امام سجاد، امام باقر و امام صادق (ع) بوده است<sup>۹۳</sup>، و سجده های طولانی او ضرب المثل بوده است<sup>۹۴</sup> و شیخ کشی و دیگران روایاتی راجع به او در این باره نقل کرده اند. وی از بشیر بن تیم صحابی<sup>۹۵</sup>، ابی الطفیل و حکم بن مستور نیز روایت کرده است و حنان بن سدید و عبدالله بن سنان و جمعی دیگر از او روایت می کنند.

طبق نقل مؤلف مفتاح الکتب الأربعة روایاتی که به مباشرت از معصومان (ع) در

کتب اربعة دارد حدیث است.<sup>۹۶</sup>

علامه جلیل سید شرف الدین موسوی در المراجعات می نویسد:

۹۱. برای اطلاع بیشتر درباره او به این منابع مراجعه کنید:

اتقان المقال، ص ۱۱۱؛ احسن التراجم، ج ۲، ص ۳۹-۴۲؛ الاختصاص، ص ۶۲؛ اضبط المقال، ص ۵۳۹؛ ایضاح الاشتباه، ص ۷۰؛ بهجة الآمال، ج ۶، ص ۱۳۶؛ تاسیس الشيعة، ص ۴۰۹؛ تنمة المنتهی، ص ۱۷۲؛ التحریر الطاووسی، ص ۲۳۰؛ تنقیح المقال، ج ۲، ص ۲۴؛ توضیح الاشتباه، ص ۲۵۶؛ جامع الرواة، ج ۲، ص ۳۴؛ جامع المقال، ص ۸۶؛ رجال بحر العلوم، ج ۴، ص ۱۲۱؛ رجال البرقی، ص ۱۲ و ۱۸؛ رجال العلامة الحلی، ص ۱۳۶؛ رجال ابن داوود، ص ۱۵۷ و ۲۱۴؛ رجال الطوسی، ص ۱۴۴ و ۲۷۵؛ رجال الکشی، ص ۱۰، ۱۳۶، ۱۴۸، ۱۶۹ و ۱۷۰؛ رجال النجاشی، ص ۲۲۵؛ ریحانة الادب، ج ۷، ص ۳۴؛ سفينة البحار، ج ۱، ص ۸۵؛ فهرست، شیخ طوسی، ص ۱۳۰؛ الکنی والالقب، ج ۱، ص ۱۸؛ مجمع الرجال، ج ۵، ص ۸۲-۸۷؛ معالم العلماء، ص ۹۴؛ معجم الثقات، ص ۹۸؛ معجم رجال الحدیث، ج ۱۴، ص ۱۴۰؛ منتهی المقال، ص ۲۴۹؛ منتهج المقال، ص ۲۷۰؛ نقد الرجال، ص ۲۷۸؛ هداية المحدثین، ص ۱۳۶؛ هدية الاحباب، ص ۵؛ الوجيزة فی علم الدرایة، ص ۶۴؛ وسائل الشيعة، ج ۲۰، ص ۳۰۵

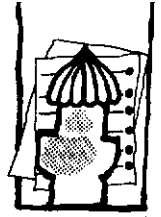
۹۲. رجال الکشی، ص ۲۳۸، شماره ۴۳۱

۹۳. رجال الطوسی، ص ۱۲۰، ۱۴۵، ۳۱۱

۹۴. رجال الکشی، ص ۱۸۴؛ وسائل الشيعة، ج ۴، ص ۹۸۰

۹۵. سفينة البحار، ج ۶، ص ۲۱۲

۹۶. مفتاح الکتب الأربعة، ج ۲۳، ص ۳۹۶



ذهبی در میزان الاعتدال نام وی را آورده و او را به راستگویی و تشیع توصیف نموده است و با گذاردن نام رمز بخاری، مسلم و ابوداؤد در کنار نام او به این نکته اشاره کرده است که احادیث وی را نگاشته اند. همچنین گفته: از ابوظیفیل روایت نقل می‌کند و نیز گفته است: قلیل الحدیث است. ابو عاصم، ابوداؤد، عبیدالله بن مومنی و دیگران از او حدیث نقل کرده اند و از ابوحاتم نقل کرده که احادیث او باید نوشته شود (یعنی صحیح و قابل استناد است).

من می‌گویم: این خلکان در وفیات الاعیان وی را ذکر نموده و گفته است. او از موالیان و دوستان علی بن موسی الرضا(ع) است. پس از آن در تمجید و ستودن او عنان قلم را رها ساخته و از او حکایتی نقل کرده است که در ضمن آن آمده است: من به خدا روی آوردم و آنچه را داشتم در راه خدمت به مولایم علی بن موسی الرضا(ع) رها ساختم. ابن قتیبه هنگامی که در کتاب معارف، رجال شیعه را می‌شمارد، معروف را از آن به شما می‌آورد. مسلم به احادیث معروف استدلال می‌کند. احادیث او در قسمت حج کتاب صحیح که از ابوظیفیل نقل نموده موجود است. سری سقطی از شاگردان اوست.<sup>۹۷</sup>

کشی روایاتی نقل می‌کند که دلالت بر مدح او دارد<sup>۹۸</sup> و علامه مامقانی از خبری که دلالت بر ذم او می‌کند به بهترین شکل جواب داده است.<sup>۹۹</sup>  
او در سال ۲۰۰ هـ. رحلت کرد.<sup>۱۰۰</sup>

۹۷. المراجعات، سید عبدالحسین شرف الدین، بیروت، دار ومکتبة الرسول الاکرم(ص)، ص ۱۷۸

۹۸. نک: معجم رجال الحدیث، ج ۱۹، ص ۲۴۹-۲۵۲

۹۹. نک: تنقیح المقال فی علم الرجال، انتشارات جهان، ج ۳، ص ۲۲۷

۱۰۰. سال ۲۰۱ و ۲۰۴ نیز گفته شده است. برای آگاهی بیشتر درباره او به این منابع مراجعه کنید: رجال الطوسی، ص ۱۰۱، ۱۲۵، ۳۲۰؛ اختیار معرفة الرجال، شماره های ۳۵۹، ۳۷۲، ۳۷۶، ۴۳۱؛ خلاصة الاقوال، ج ۱، ص ۱۷۰؛ المعجم الموحد، ج ۲، ص ۳۴۹؛ معجم رجال الحدیث، ج ۱۸، ص ۲۲۸؛ الکاشف، ج ۳، ص ۱۶۲؛ تهذیب الکمال، ج ۳، ص ۱۳۵۲؛ تهذیب التهذیب، ج ۱۰، ص ۲۳۰؛ تقریب التهذیب، ج ۲، ص ۳۹۳؛ میزان الاعتدال، ج ۴، ص ۱۳۴؛ لسان المیزان، ج ۷، ص ۳۹۳؛ تاریخ الشفقات، ص ۳۴۳؛ طبقات ابن سعد، ج ۴، ص ۴۵؛ الجرح والتعديل، ج ۸، ص ۱۴۱۸؛ مستدرکات علم رجال الحدیث، ج ۷، ص ۴۵۳